

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

The destructive Culture or destructed by culture...! A study on cultural practices and expressions as the primary causes for damages in historic-cultural properties – A case study of Iran

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

فرهنگ تخریب یا تخریب فرهنگی...! بررسی نمونه‌هایی از رفتارهای فرهنگی به عنوان عوامل مخرب در آثار تاریخی-فرهنگی ایران

محسن کیهان‌پور*

۱. دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۷/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۴

تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۰

چکیده

آثار تاریخی، به‌جز این‌که تحت تأثیر روند طبیعی افول و زوال قرار دارند، در برخی موارد به‌طور کامل، قابل کنترل نیستند، همواره توسط عوامل متعدد دیگر نیز مورد تهدید و در معرض خطر هستند. از عوامل شناخته شده طبیعی و اقلیمی گرفته تا برخی رفتارهای انسانی. می‌توان گذشته از کنش‌های اجتماعی-روانی که در مطالعات رفتارشناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی رفتاری) از آنها به‌عنوان وندالیسم یاد می‌کنند، پاره‌ای از رفتارهای انسانی خاص را مشاهده کرد که دارای ابعاد قابل بررسی و مهم در حوزه فرهنگ هستند و به شکلی بسیار مهم و کاملاً قابل بررسی، ریشه در باورهای فرهنگی و بومی مناطق مختلف دارند و به‌گونه‌ای عمیق مثل هر اعتقاد و باوری دیگر، برای ساکنان یک منطقه و باورمندان به آن دارای ارزش محسوب می‌شوند. گاهی از اوقات، این‌گونه باورهای فرهنگی و رفتارهای ناشی و متأثر از آن، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به تخریب آثار فرهنگی-تاریخی منجر می‌شوند. در حوزه حفاظت از ارزش‌ها و موارث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، پرسش مهم آن است که کدام موضوع دارای اهمیت بیشتر است؟ به تعبیر دیگر در نگهداشت کدام موضوع باید کوشش بیشتر کرد. اثر فرهنگی یا رفتار فرهنگی؟ و آیا می‌توان به‌صورت توانمند از تخریب آثار جلوگیری کرد و هم‌یک رفتار فرهنگی را که اساس تعریف و غنا در منظر فرهنگی است حفظ کرد؟ درک این موضوع که در حفاظت از مفهوم میراث فرهنگی به ویژه مفاهیم در ارتباط با منظر فرهنگی، پیوستگی غیرقابل انکار میان عناصر و آثار تاریخی و فرهنگی و باورها و رفتارهای متأثر از آن وجود دارد، می‌تواند در فهم، تحلیل، معرفی آثار مؤثر واقع شود و در حیطه حفاظت، رفتاری مطمئن‌تر و اصیل‌تری را موجب شود. با این‌نگاه پژوهش حاضر، سه نمونه از این رفتارها را در چند حوزه کاملاً متفاوت از جغرافیای فرهنگی بزرگ و متنوع ایران مورد بررسی قرار داده است و با تشریح جنبه‌های فرهنگی، روانی و اجتماعی این‌گونه رفتارها، کوشش کرده با تحلیل چنین رفتاری، امکان حفاظت از موضوعات و مفاهیم مورد اشاره را بررسی کند.

واژگان کلیدی: وندالیسم، منظر فرهنگی، ارزش فرهنگی، باور فرهنگی، حفاظت و مرمت.

مقدمه

شهرهای بزرگ و آثار شناخته شده گرفته تا روستاهای دوردست و بناهای دورافتاده امروز، می‌تواند موضوعی مشترک و قابل تأمل را گوش‌زد کند که در اکثریت قریب به اتفاق آنها قابل بررسی و پیگیری است، که

دیدار و بازدید از بناهای تاریخی و فرهنگی کشور، از

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۹۶۰۰۴۴۱
mohsenkeyhanpoor@yahoo.com

به رفتار انسانی در فرآیند تخریب بناها مورد نظر قرار گرفت و همواره در بررسی‌های حفاظت محور به‌عنوان یک عامل آسیب‌رسان بی‌کم و کاست معرفی شده و به دورشدن از این فضا توصیه تأکید شده است. این درحالی است که موضوع منظر فرهنگی از پایان دهه هفتاد میلادی مطرح شده و حفاظت از فرهنگ در بستر یک زیست‌بوم به عنوان منظر فرهنگی با منشور بروکسل در سال ۱۹۷۶ شکل جدی به خود می‌گیرد. با این همه هنوز حدود و چارچوب مطالعه شده و مشخصی در بسیاری از مناطق جهان در ارتباط با این موضوع وجود ندارد. به ویژه اینکه بسیاری از رفتارهای فرهنگی در جوامع سنتی و یا متمایل به آن هنوز غنابخش منظر فرهنگی زنده هستند که خود به نظر آسیب‌رسان می‌کند. بنابراین در بسیاری از نشست‌های بین‌المللی از جمله سند «نارا» با موضوع اصالت و منشور «بورا» با موضوع محوطه‌های فرهنگی اشاراتی روشن به این مفهوم دارند. بررسی و شناخت برخی رفتارها و کنش‌های اجتماعی که عمدتاً جزء عوامل صرفاً مخرب بررسی شده و به شکلی یک‌سویه به قطع، رفع و محو آن حکم داده شده است، بحثی است که در این فرآیند مورد غفلت بوده است.

روش انجام پژوهش

به لحاظ اهمیت و ظرافت مفاهیمی همچون فرهنگ، رفتار فرهنگی و برخی مفاهیم مرتبط دیگر، لزوم مطالعه مستمر و دقت در بازشناخت چنین کنش‌هایی خودنمایی می‌کند. به ویژه پژوهش پیرامون منظر فرهنگی و درهم تنیدگی برخی از رفتارهای فرهنگی با موضوع حفاظت و مرمت از بناهای تاریخی، ایجاب می‌کند که افزون بر بررسی‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته، مطالعات میدانی با بهره‌گیری از راهبردهای مردم‌شناختی صورت پذیرد که این پژوهش نیز با همین رویکرد، انجام گرفت اما برای نتیجه بهتر به صورت موردی تنها به سه نمونه از این موارد اشاره خواهد شد.

یافته‌ها

بی‌تردید آنچه به عنوان موضوع این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته، امری نیست که به سادگی مورد تصمیم‌گیری باشد و پیرامون رفتارهای مورد اشاره و مشابه آن به ارایه دستور مبنی بر استمرار یا امتناع از آن بیانجامد، بلکه این می‌تواند آغاز حرکتی باشد که تا دستیابی به نتیجه مطلوب و شایسته، نیازمند آرایه نظرات و تضارب آراء خواهد بود و به لحاظ تازگی بحث و زاویه نگاه، هرگونه تصمیمی محتمل به خطاست. چرا که تجربه‌های موجود در ارتباط با موارد مشابه به احتراز موضوع و به زوال کشیدن ماهیت موضوع ختم شده است. از جمله این موارد معرفی روستاهای هدف گردشگری

بعضاً موجبات خسران و تخریب آثار را فراهم کرده است این موضوع مشترک، آسیب‌هایی است که توسط افراد مرتبط با اثر به وجود آمده است. اگرچه در مطالعات آسیب‌شناسانه، این موضوع را جزء عوامل انسانی آسیب‌رسان در نظر گرفته و می‌گیرند، اما آنچه مدنظر این تحقیق است، رفتاری است که به هیچ‌وجه با قصد قبلی تخریب و یا آسیب به اثر صورت نمی‌گیرد، آنچنان‌که وندال‌ها (Vandals) به تخریب آثار می‌پردازند. برخی از این رفتارها به عادات اجتماعی - فرهنگی بازمی‌گردد و برخی را می‌توان در حیطه اعتقادات و باورهای فرهنگی مورد بررسی قرار داد. مجدداً و مؤکداً اشاره می‌شود که آنچه به طور عمومی در مطالعات با رویکرد آسیب‌شناسانه در بناهای تاریخی تحت‌عنوان آسیب‌های انسانی معرفی می‌شوند و به همین عنوان بسنده شده است علی‌الاطلاق به وجه مهم دیگر مستتر در این اتفاق، نظر نکرده و بدیهی است که در فرآیند حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی گوشه‌های پنهان و مهمی که تعریف و فهم اثر را در بستری تاریخی اجتماعی ممکن می‌سازد مورد غفلت قرار می‌دهد. آنچه که وجهی جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی دارد و البته شکلی آسیب‌شناسانه در حوزه میراث فرهنگی. که به نظر می‌رسد پاسخ به آن نیازمند دقت در عرصه فرهنگ عمومی و بررسی جایگاه دقیق این کنش‌های فرهنگی است که بعضاً به‌عنوان رفتارهای آسیب‌رسان می‌توان به آنها اشاره کرد. پاره‌ای از این رفتارها صرفاً در سنت‌ها ریشه دارند. برخی از آبخشور فرهنگی و عادات اجتماعی پا گرفته‌اند و تعدادی از رفتارها نیز باورهای اجتماعی-اعتقادی را پاسخ می‌گویند که بعضاً از آنها به خرافه تعبیر می‌شود. همه این کنش‌ها اگرچه در نگاه نخست ساده، نازیبا و غیرضروری به نظر می‌رسند اما وقتی بدانیم که پیوستگی این مفاهیم با مضمون حیات فرهنگی بشر و تعامل او با زیست‌بوم فرهنگی تا چه اندازه است و اساساً تعبیر و فهم از موضوعی با نام «منظر فرهنگی» به عنوان عنصری اصلی در بسیاری از آثار ارزشمند تاریخی - فرهنگی خصوصاً آثار ثبت جهانی تا چه اندازه ضروری است، جایگاه و اعتبار نگاه نخست دچار تزلزل خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

حفظ میراث فرهنگی در برابر علل آسیب‌رسان انسانی از نخستین دلایلی بود که اساساً اندیشه حفاظت و مرمت را پدید آورد. آنچنان‌که در تاریخ حفاظت و مرمت، حفاظت‌آمرانه و بعضاً آگاهانه تعدادی از بناها و تخریب‌عامدانه پاره‌ای دیگر به ویژه در قرن نوزدهم و همپای رشد و توسعه‌طلبی در جهان رو به صنعتی‌شدن، ضرورت توجه

مطالعات اجتماعی آن را بزه می‌نامند، دلیلی واحد و یگانه قابل ارایه نیست اما، در تعریف وندالیسم با نگاه یک رفتار غیرمعارف اجتماعی، به آن دسته از بزه‌کاری‌هایی گفته می‌شود که هدف اصلی در آنها، ویران‌گری عمدی، آگاهانه و خودخواسته اموال عمومی است. وندال‌ها کسانی هستند که به دلایلی در برابر هر آنچه زیبا و کاربردی است و متعلق به همه مردم است، نوعی گرایش تعمدی به رفتارهای نامسئولانه و تخریب‌گرایانه دارند. با وجود پیشینه کهن، در کاربرد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به تنازع بیمارگونه با نشانه‌های امروزی تمدن، «وندالیسم» گفته می‌شود (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۳).

آنچه در بسیاری از موارد به عنوان ریشه‌های اصلی گرایش و اقدام در زمینه وندالیسم مورد نظر پژوهشگران قرار می‌گیرد، این است که وندالیسم اغلب ریشه‌های اکتسابی دارد و شرایط محیط رشد در ایجاد و ظهور آن بسیار مؤثر است. شرایط اجتماعی، سطح اقتصادی، عدم برخورداری از شرایط مناسب و مساعد زیستی در شهرها و وجود شکاف‌ها و اختلافات طبقاتی و امور مشابه تشدیدکننده این موضوع هستند. روانشناسی این موضوع را معلول کارکرد نیروهای سرکش درونی دانسته و نمود بیرونی نامتعارف و غیرعقلایی را ناشی از شکاف و ستیز نسل‌ها برشمرده است که احساسات و عواطف سرزده از ضمیر ناخودآگاه عامل و به طور عمده جوانان، آن را به ظهور می‌رساند (Feuer, 1973:8). در همین راستا گاهی برخی صاحب‌نظران، مسایلی چون عقده‌های ادیپال را مطرح کرده‌اند که منجر به مخالفت با والدین یا نسل پیشین می‌شود و رفتارهایی این‌چنین را ناشی می‌شود (Keniston, 1969:83). بسیاری از جامعه‌شناسان فعال در این حوزه، تقریباً بدون اختلاف همین رویکردها را در بررسی رفتارهای بزه‌گونه و نامتعارف که به وندالیسم می‌رسد را تأیید و تشریح کرده‌اند. ریچارد فلکس، این‌گونه رفتارها را مستقیماً نتیجه انفصال و جدایی از ارزش‌های تحمیل‌شده از سوی والدین به منزله شرایط و اصول حاکم که در جامعه مطرح است می‌داند. از این منظر تخریب و وندالیسم، واکنش اولیه و بیان خشم و نارضایتی در برابر احساس اجحاف، اجبار، اقتدارآمرانه، نابرابری، تبعیض و تحدید آزادی‌های جوانان از سوی سازمان‌های حاکم است (Flacks, 1971:63). گاهی موارد پرخاشگری و رفتارهای وندالیستی رویکردی مشخص در اعلام مخالفت گروه‌های در اقلیت و ستم‌دیده و محروم، نسبت به جلب توجه اکثریت ساکت و خاموش است (Aronson, 2015:197). به‌طور کلی، عدم‌مدیریت مناسب در دوره‌های پرهیجان زندگی و فقدان برنامه‌های کارآمد در ارتقای اوضاع زیستی، شرایط اقتصادی، مسایل فرهنگی،

است که دیگر هیچ بویی از هویت اصیل در رفتار مردمان آن سامان (روستاها یا مختلف) در کویر یا جنگل باقی نگذاشته است. شاید مهم‌ترین یافته در این ارتباط اساساً درک حساسیت موضوع و کشف درهم‌تنیدگی برخی از عادات، باورها و رفتارهای ماهیت‌بخش اجتماعی - فرهنگی در این بستر است که بدون آنها و یا حذف آنها عملاً بخشی از تعریف و تبیین در فهم کلیت منظر فرهنگی دچار آسیب خواهد بود.

تخریب آثار و بناهای تاریخی

در بازشناسی و مطالعه بناهای تاریخی عوامل آسیب‌رسان و محل را به دو گروه عمده درونی و بیرونی دسته‌بندی می‌کنند که هر کدام نیز به بخش‌های مختلف قابل بخش‌بندی است. از جمله در یکی از عمومی‌ترین دسته‌بندی‌ها، علل بیرونی در گروه‌های طبیعی، بیولوژیک و انسانی مورد بررسی قرار دارند. در زیرگروه عوامل آسیب‌رسان انسانی، علل اجتماعی - سیاسی مثل جنگ، مدیریت نامناسب مانند تصمیمات نادرست در برخورد با محوطه، بنا یا بافت تاریخی و مسایل حقوقی همچون قوانین مربوط به ارث که بسیار تأثیرگذارند را می‌توان بررسی کرد. اما ذیل همین عنوان، موردی وجود دارد که هم به طور مجزا و هم در ترکیب با عوامل فوق، مؤثر در آسیب دیدن بناها هستند که پرداختن به آن در بیشتر موارد مورد غفلت است. اگرچه دور از حقیقت نخواهد بود که آن را از عوامل شایع و از فرط وفور، عمومی‌ترین علت، اگر نه در تخریب کالبد آثار، دست‌کم در آسیب‌های منظر بدانییم.

آسیب وارد کردن و تخریب بخشی از اموال عمومی و دولتی که نمونه‌های بسیاری را در شهرهای مختلف می‌توان مشاهده کرد، موضوع مورد نظر بسیاری از جامعه‌شناسان رفتاری و پژوهشگران مشابه بوده است. این دسته از رفتارها که به «وندالیسم»^۲ موسوم هستند، گاهی دایره تخریبشان به آثار هنری و تاریخی نیز می‌رسد. که برخی از صاحب‌نظران، واژه «وندالیسم‌هنری» را برای آن به کار برده‌اند. اما با تمرکز و واکاوی این‌گونه رفتارها با مفاهیم مستتر در وندالیسم این پرسش پیش خواهد آمد که آیا همه رفتارها و برخوردها در حیطه آثار تاریخی معادل وندالیسم قرار دارند؟ برای دریافت بهتر و تفکیک موضوعات مطرح شده، در ابتدا نگاهی بسیار مختصر به موضوع وندالیسم خواهیم کرد و سپس نمونه‌هایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد که به وضوح می‌توان میان آنها و کنش‌هایی که به وندالیسم موسومند، تمایز قائل شد.

وندالیسم (Vandalism)

اگرچه همچون بسیاری از رفتارهای نژند و نامتعارف که در

شاید تخریب آثار در وندالیسم گروهی آشکارتر و پررنگ‌تر دیده شود، اما واقعیت آن است که آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناپیدا و به ظاهر اندک فردی سطحی گسترده‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر دارد. این گستره از اموال عمومی شهری مثل: صندلی و نیمکت عمومی، فضای سبز، سطل زباله، چراغ‌های روشنایی، کتابخانه‌ها، اتوبوس، مترو، قطار، دستگاه‌های بانک، استخرها، تابلوهای راهنمایی تا حوزه‌های خصوصی‌تر مثل اموال رستوران‌ها، سالن‌های نمایش، آسانسورها، ورزشگاه‌ها، کلوب‌ها و حتی برخی آثار هنری همچون مجسمه‌های شهری و در برخی موارد آثار موجود در موزه‌ها و بناهای موزه‌ای را نیز شامل می‌شود (تصویر ۲).

گاهی البته اعمالی چون کارگذاری بمب‌ها و مواد منفجره به منظور تخریب اموال یا نمادها و نشان‌های فرهنگی و نه تلفات انسانی را نیز پوشش می‌دهد. و گاهی تخریب نه از



تصویر ۲. تخریب اموال عمومی (اتوبوس شهری) پس از برگزاری مسابقات فوتبال. مأخذ: www.ISNA.ir

سوی افراد جامعه که با نوعی بی توجهی و اهمال در پیگیری حفاظت از برخی آثار دارای ارزش فرهنگی خاص، که مورد اقبال و علاقه حاکمیت نیست از سوی گروه حاکم در یک جامعه رخ می‌دهد که می‌توان آن را نیز نوعی وندالیسم (دولتی یا حکومتی) پنهان دانست.

برخی از فعالان عرصه میراث فرهنگی نیز در بررسی عنوان وندالیسم به هرگونه برخورد با اثر که به نظر آسیب‌رسان است عنوان «وندالیسم فرهنگی» داده‌اند که البته باید با احتیاط و دقت بیشتری آن را به‌کاربرد. چرا که در بیشتر موارد دخل و تصرفها در آثار توسط مردم، از سر بی‌اطلاعی و جهالت است تا به تعریف وندالیسم با هدف امحای نموده‌های فرهنگی در جامعه. برخی موارد رفتارها و کنش‌هایی اجتماعی که به یک باور و اعتقاد پیوند دارد و شاید بتوان آن را نوعی رفتار فرهنگی نیز دانست دیده می‌شود که از نگاه فعالان عرصه میراث فرهنگی و حفاظت‌گران آثار

اوقات فراغت، رسانه‌های کارآمد و آموزش‌های جامعه‌پذیری موجبات گرایش و تشدید این رفتارها در جامعه را دامن می‌زند. و به عقیده «ژانورن» (Janoren) گاهی وجود حس اجحاف، عامل عمده‌ای در تخریب است که در هدف با وندالیسم دارای اختلاف است اما در نتیجه عمل، که خسارت وارد آوردن به اموال عمومی است با وندالیسم مشترک است (ژانورن ۱۳۶۷: ۳۳). و در این میان پژوهش‌گرانی چون ارونسون، نه تنها قائل به آموزش این‌گونه رفتارهای پرخاشجویانه هستند، که معتقدند نسل بعدی تنها به تکرار تقلیدی این رفتارها نمی‌پردازند و به ابداع شکل‌های بدیع و جدید خواهند پرداخت (Aronson, 2015:130) لازم به ذکر است که در بررسی‌های صورت گرفته متغیرهای مختلف مدنظر قرار می‌گیرد که در تنوع رفتارهای وندالیستی و شدت و گستره آنها تأثیرگذارند. متغیرهایی نظیر سن، جنس، تراکم جمعیت، ناسازگاری، عوامل خانوادگی (Clinard & Meiere, 2014:208)، افزون برای موارد، عواملی دیگر چون مسایل مربوط به خود وسایل و دستگاه‌ها و پدیده گلوله برقی^۳ نیز در این فرآیند مؤثر هستند (ژانورن، ۱۳۶۷: ۳۰).

انواع وندالیسم

عمدتاً آنچه به عنوان یک رفتار ناهنجار اجتماعی با نام وندالیسم مورد بررسی قرار می‌گیرد، با نگاه به فاعلان آن، در دو دسته وندالیسم فردی و گروهی قرار گرفته است. که در این تقسیم‌بندی، علاوه بر مجریان بخشی از هدف نیز مورد نظر و بررسی است. به این معنا که معمولاً وندالیسم گروهی



تصویر ۱. رفتارهای آسیب‌رسان و تخریب‌گرانه ناشی از معضلات روانی و خشونت‌های لحظه‌ای. مأخذ: www.myaspergerschild.com

با برنامه و هدفی مشخص به مورد اجرا گذارده می‌شود که در پس آن اهداف و خواست‌های سیاسی اجتماعی و اعتراضات قرار دارد اما در نوع فردی آن، اغلب بدون برنامه قبلی و هدفی مشخص صورت می‌گیرد و در بیشتر موارد واکنشی در برابر یک عامل روانی یا اجتماعی است (تصویر ۱).

Cultural Landscape پیشنهاد کرد، و در سطور آتی نیز با همین معنا به کار گرفته خواهد شد. بنابراین در بسیاری از موارد آنچه به چشم می‌آید، معرّف ماهیت و هویت فرهنگی چنین فضایی است که به‌درستی چهره و سیمای آن به شکل درونی و بیرونی است و نه آنچه، صرفاً در ابعاد مادی و کالبدی به چشم می‌آید و دیده می‌شود.

انسان با توجه به تعاملاتی که با گستره واقیعت در حوزه زندگی خود دارد، برنامه‌هایی را در ذهن و به صورت درونی می‌سازد که در موقع مقتضی به شکل باورها و رفتارهایی متجلی می‌شود که به نوعی پاسخ به آن شرایط تعاملی به حساب می‌آید (احمدی علی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲) و در بحث حفاظت و نگهداری از موارث فرهنگی شناخت این مفهوم به ویژه آنجا که با مضمون و مفهوم سیمای فرهنگی همپوشانی دارد اهمیت شناخت جایگاه این موضوع چند برابر خواهد بود. چرا که آگاهی و شناخت مردم از هویت فرهنگی ملی، می‌تواند همچون نیروی محرک عظیمی در جهت توسعه اقتصادی عمل کند و پویایی درخوری را در آنان ایجاد کند (Isar, 1986: 12). توجه به این نکته نیز راه‌گشا است که معمولاً پیچیدگی‌ها و دشواری‌های موجود در راه حفاظت از میراث فرهنگی به دلیل اختلاط و پیوستگی با زندگی مردم و بعضاً در تقابل با برخی تصمیمات بیرون از این حیطه است.

رفتارهای فرهنگی و تخریب آثار

در مباحث اولیه اشاره شد که تخریب آثار فرهنگی در دسته‌های مختلف مورد بررسی است که یکی از این بخش‌ها به تخریب انسانی اشاره دارد و عموماً هر رفتاری که تعادل در ایستایی و شکل شناخته شده و اولیه اثر را مخدوش کند و دچار اختلال کند، به عنوان یک عامل منفی و خطرناک دیده می‌شود که البته پر بیراه هم نیست. اما آنچه‌آنکه در بند پیشین مورد اشاره قرار گرفت برخی از این کنش‌ها اگرچه به عنوان رفتارهای خطرناک برای بقای آثار تلقی می‌شوند، ولی پاره‌ای از مضامین و مفاهیم در آنها نهفته است که نیازمند دقت نظر در برخورد با آنها است. رفتارهایی که توضیح‌دهنده و مبین بخشی از ماهیت و هویت دست‌کم فرهنگی مردمان بومی یک منطقه و یا یک سرزمین هستند و چه بسا که موضوعی مشترک میان همه نوع بشر را در برخی از آنها بتوان مشخص کرد. در ادامه این نوشته برای دریافت بهتر موضوع به سه نمونه از این رفتارها در جغرافیای مختلف و فرهنگ‌های متفاوت اشاره می‌شود.

۱. یکی از عمده‌ترین رفتارهایی که در بناهای تاریخی و حتی غیر آن به چشم می‌آید و از اولین نمودهایی است که تعبیر وندالیسم در بناهای تاریخی یافته است، که - رفتاری بسیار

تاریخی، وندالیسم هم دانسته و خوانده شود، اما حقیقت آن است که این موضوع در دورترین وضعیت نسبت به مفهوم وندالیسم قرار دارد. چرا که براساس تعاریف گذشته، اعمال وندالیستی به آن دسته از بزه‌کاری‌هایی گفته می‌شود که هدف اصلی در آنها، ویرانگری عمدی، آگاهانه و خودخواسته اموال عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۴) و این در حالی است که این رفتارها نه تنها هدف تخریب آثار را تعقیب نمی‌کنند، بلکه نوعی تمسک و تعلق خاطر به این آثار، را نیز در فرآیند عمل خود بازتاب می‌دهند. اگرچه ممکن است که تداوم این اعمال خسرانی را متوجه آثار کند.

منظر فرهنگی (Cultural Landscape)

موضوع منظر فرهنگی دامنه‌ای بسیار گسترده و در بسیاری موارد، پیوندهای دقیق و ظریفی با محیطی که به عنوان اثر فرهنگی (بافت تاریخی، محوطه تاریخی و ...) شناخته می‌شود، دارد که با اندک غفلتی نادیده گرفته خواهند شد و دور از ذهن نیست که بتوان بازخورد بسیاری از این مفاهیم را، که در رفتارهای اجتماعی، رسوم و باورهای مردم یک منطقه یا نزدیک به یک اثر تجلی یافته دید و مورد بازشناسی قرار داد. منظر فرهنگی تعامل و دخل و تصرف انسان است در طبیعت که بر اثر آن به یک وحدت می‌رسد (مجایی، ۱۳۸۸: ۲۷). بشر از همان لحظه‌ای که متولد می‌شود، در بند محیط شده و به دام چرخه حیات و فرهنگ خود می‌افتد. این موضوع در یک سپهر کلی همه بخش‌های زندگی و حیات انسانی در ارتباط با محیط و بستر زیستی انسان را شامل می‌شود. از رفتارهای روزمره زندگی مثل خوراک و پوشاک و کاربرد ابزار گرفته تا مناسبات پیچیده‌تر اجتماعی همچون مناسبات قدرت، ارتباطات، باورها و اعتقادات. رفتارهایی که به نوعی از مفهوم آفرینش نزدیک است که تجربه هزاران انسان را در خود دارد که دائماً در حال نو شدن و کشف شدن است (ژانو رن، ۱۳۶۷: ۳۲) و اگرچه ظاهراً واژه منظر فرهنگی با مفاهیمی همچون دید (View) و یا چشم‌انداز طبیعی پانوراما (Panorama) هم معنا به نظر می‌رسند اما باید دانست که هدف از منظر فرهنگی صرف طبیعت یا چیزی نیست که دیده می‌شود. این عنوان در پس خود تنها مفهوم تماشا و دیدن صرف موضوع را ندارد بلکه، نگاهی همراه با فهم، درک، شناخت و دادوستد و برخورد روحی و روانی با آنچه در حال معرفی و بیانش است را می‌طلبد. چرا که دست‌کم در حوزه میراث فرهنگی، آیین تمام‌نما و روشنی از ارتباط و حضور یک اثر فرهنگی-تاریخی در تمام وجوه و شوون حیات مردمی است که زندگی و معیشتشان به گونه‌های پیدا و پنهان در پیوند با اثر فرهنگی است. با این وصف، می‌توان عنوان سیمای فرهنگی را مابه‌ازای ترکیب

خواهد شد.

توجه دادن به گذر ایام، فانی بودن زندگی و درس گرفتن از گذشتگان در عین تمایل به ماندگاری و بقا از دلایل اقدام به این عمل در گذشته تاریخی مردمان این سرزمین بوده



تصویر ۵. دو نمونه از یادگاری نویسی بر سنگ‌های جزر شمالی دروازه ملل در تخت جمشید، عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۸۲.

است که شواهد بسیاری بر این مدعا قابل ذکر است. جملات، کلمات، علائم و بسیاری المان‌های دیگر را می‌توان بر در و دیوار آثار تاریخی و حتی آثار جدید، درختان، صخره‌ها و سنگ‌ها در کوه و دیواره غارها و بسیار جاهای دیگر مشاهده کرد، اما موضوع مورد اشاره ما صرفاً بناهای تاریخی است و آسیب‌هایی که این عمل چه به شکل بصری و چه ساختاری به اثر وارد خواهد کرد (تصویر ۵).

در سیر تاریخ نیز نمونه‌هایی از موضوع توجه به آثار و تلاش برای بیان شعف یا تأثر از حضور در برخی از فضاها قابل پیگیری است که بعضاً این احساس در بخشی از اثر و بنا تجلی و بروز می‌یابد و گاهی نیز البته در اشعار و گزاره‌های منثور و نوشته‌های جغرافیایی و تاریخی ضبط شده است. از این نمونه است چکامه بلند و مشهور خاقانی شروانی است که در مسیر حج با دیدن آثار شگرف ساسانی در شهر تیسفون یا مدائن سروده است:

«هان! ای دل عبرت‌بین، از دیده نظر کن،
هان ایوان مدائن را، آیینۀ عبرت دان

یک ره، ز ره دجله منزل به مدائن کن
وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران...»

و یا سروده پرمغز خیام که:

«آن قصر که جمشید در او جام گرفت
آهو بچه کرد و رو به آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدیدی که چگونه گور بهرام گرفت»

در سخنان بسیاری از بزرگان عرصه کلام و وعظ و حتی فلسفه، توجه به چنین نمونه‌هایی از موضوع وجود داشته و دارد. از همین رهگذار و آمیختگی موضوع گذر عمر و ناپایداری حیات انسانی و ماندگاری آثار برجسته تمدن

پیچیده هم هست - اصطلاحاً یادگاری نویسی نامیده می‌شود. اگرچه هر حادثه مضبوط دیگر نیز می‌تواند تعبیر یادگاری به خود بگیرد و به همین نسبت به عنوان سند یک حادثه قابل توجه برای حفاظت خواهد بود. مانند: آثار گلوله‌های توپ‌های



تصویر ۳: یادگاری نویسی روی ازاره سنگی ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان
مأخذ: www.sahbnews.ir.



تصویر ۴: یادگاری نویسی بر روی دیوار کاروانسرای باغ‌شیر، ساوه.
متن نوشته: فراق دوستان دیدن، نشانی باشد از دوزخ
معاذالله غلط گفتم، که دوزخ زو نشان باشد
راقم این حروف؛ مشهدی حسین، ولد ملا عبدالرزاق، روضه‌خوان و مدیحه‌خوان
تبریزی از همه کسان التماس دعا دارم. سنه ۱۲۷۱ عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۹۲.

جنگی روس‌ها در ارگ علیشاه تبریز در جنگ ایران و روس و آثار گلوله‌های موجود در دیوارهای مسجد سپهسالار تهران که یادگار حمله به مجلس در دوره مشروطه بود، اما منظور در این گفتار، نوشتن چیزی یا حک کردن شکلی بر روی آثار با وسایل مختلف است و تقریباً نمی‌توان بنایی را یافت که چنین موضوعی را تجربه نکرده باشد (تصاویر ۳ و ۴).

یادگاری نویسی موضوعی تازه و نو نیست و یکی از همان رفتارها و کنش‌های مشترک بین بسیاری از فرهنگ‌های بشری است، که این نوشته به حوزه فرهنگی ایران اشاراتی



تصویر ۷. کتیبه یادگاری شش سطری در ضلع غربی ایوان جنوبی کاخ تچرا. متن کتیبه:

«کرا دانی از خسروان عجم ز عهد فریدون و ضحاک و جم
که در تخت ملکش نیاید زوال ز دستِ حوادث نشد پای مال
نه بر باد رفتی سحرگاه و شام سریر سلیمان، علیه السلام
باخر ندیدی که بر باد رفت خُنک آنکه با دانش و داد رفت
الا تا درخت کرم پَروری که بی شک بُن کامرانی خوری
کتبَه ابراهیم سلطان بن شاهرخ، فی سنه ست و عشرين و ثمانمائه
عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۸۲.»

که در بسیاری از جوامع انسانی نیز قابل بررسی و مطالعه است. بنابراین نیازمند دقت بیشتر و یافتن راه کاری است که ضمن توجه به این احساس، موضوع تخریب آثار و حفاظت از آنها را نیز مدنظر قرار داده باشد.

۲. از سده های میانه اسلامی که آرامگاه سازی امری پذیرفته در جوامع اسلامی مخصوصاً در ایران و حوزه فرهنگی ایران شد، باور و اعتقاد به تدفین در گذشتگان در کنار مقابر بزرگان و صاحبان نفوس، احترام یافت تا از برکات وجود متوفی بهره مند شوند. چنان که از قبیل همین موضوع فرهنگی، برخی آثار معماری نه تنها از تخریب نجات یافت بلکه حفظ شد و رشد یافت. این موضوع به عقیده هیلن براند (Hillenbrand) البته با ساخت بناهای آرامگاهی متعدد به شکل مجموعه از شاهزنده در سمرقند تا گورستان مرینی در فاس در تونس و گورستان آسوان در مصر قابل مشاهده است (هیلن براند، ۱۳۹۳: ۲۶۲). تعدادی از این بناها نیز تنها با دفن کسانی در کنار قبر یک شخصیت صاحب نام، بدون ایجاد بنایی جدا بسنده شده که البته در مجاورت آن می توان بناهای دیگر از قبیل کاروانسرا، زائرسرا و اجزاء دیگر را دید. این کنش فرهنگی در ایران بسیار عادی و در بیشتر نقاط کشور ما موضوعی پذیرفته شده و مرسوم است. این رفتار از گذشته های دور و از قرون اولیه اسلامی براساس شواهد و قرائن، صورت می گرفته است (تصویر ۸).

در برخی موارد هم این تعلق خاطر، به ویژه در مورد برخی بناها که در فهرست ملی میراث فرهنگی به ثبت نرسیده بود

بشری، بسیاری را بر آن داشت تا در کنار آنها اثری و نامی از خود باقی گذارند. صد البته که این اندیشه سهل و ممتنع از نظر دریافت و ادراک، در پاره ای از موارد موهبتی برای انسان امروز محسوب می شوند که اطلاعاتی دست اول از حیاتی گذشته، اندیشه های مضبوط و روزگاری سپری شده در اختیار می گذارد.

اگرچه امروز و با توجه به وجود مفاهیمی تازه و نو همچون؛ حفاظت و مرمت آثار تاریخی، هرگونه اقدامی از این دست آسیب تلقی می شود، اما از نگاه دیگر همین یادگارنویسی ها امروز، اسنادی غیرقابل انکاری در بازخوانی بخشی از تاریخ است که در بسیاری از موارد نوشته ها و یادگارهای گذشته را نه تنها حذف نمی کنند که در حفظ و رایه آنها به مخاطبان تلاش نیز شده است. آنچه انچه که برای نمونه، نوشته های دوره های مختلف پس از هخامنشی، در کاخ تچرا تخت جمشید که به دلیل تنوع و کثرت خطوط از زمان ساخت تا دوره های متأخر، بر جای جای این کاخ توسط افراد سرشناس و یا عادی اما هنرمند، کتیبه هایی حک و ایجاد شده است که از سوی برخی صاحب نظران «موزه خط» نام گرفته است. طرفه آنکه با توجه به متن های موجود در این



تصویر ۶. نمای عمومی کاخ اختصاصی داریوش (تچرا) در تخت جمشید، عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۸۲.

مکان می توان اسامی و عناوین مهمی را بر دیوارهای این بنا دید که ضرورت بررسی و پژوهش ارزش های هنری، تاریخی، اسنادی، مردم شناسی و ... در آنها را بازگو می کند (تصاویر ۶ و ۷). همین موضوع در بسیاری از بناهای دیگر نیز قابل بررسی و مشاهده است. از مساجد جامع گرفته تا بناهای آرامگاهی متعلق به مشاهیر دینی و علمی و اخلاقی تا بناهایی چون کاروانسراها و موارد دیگر. با بررسی بسیاری از این آثار به روشنی می توان نوعی حس، تمایل و خواست درونی قوی که فرد را برای باقی نهادن چیزی به یادگار برای آینده داشته را دید که به روشنی می توان دریافت که علاوه بر اشتراک در بیشتر جوامع انسانی، قویا یک کنش فرهنگی است که در بحث منظر فرهنگی می تواند مورد نظر باشد. این که امروز به صورت یک جانبه هرگونه اقدام و خواستی از این دست را رد کنیم انکار و نادیده گرفتن یک رفتار فرهنگی است به ویژه

بررسی‌های آسیب‌شناسی پیرامون تعدادی از بناهای تاریخی این منطقه، نقش و تأثیر این گونه تدفین و دخل و تصرف در بناها را، در تخریب و مشکلات پیش آمده برای ایستایی بنا کاملاً مشهود و هویدا می‌سازد. خارج کردن تعداد زیادی از خشت‌ها از دیوار و قسمت‌های مختلف و بعضاً حساس بنا



تصویر ۹. جسد یک نوزاد متوفی پیچیده در کفن در دیواره آرامگاه تاریخی در محدوده شیشه‌ریز شهر جالق در بلوچستان ایران. عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۹۰.

روند تخریب و عدم تعادل مناسب در انتقال نیروها در بنا را فراهم کرده و به دلیل مورد غفلت بودن بسیاری از این بناها در طول سالیان، روند آسیب و تخریب را تسریع کرده است. ۳. در مبحث منظر فرهنگی، رفتارهای وابسته و یا برآمده از اعتقادات و باورهای مختلف، در ارتباط با آثار و بناهای تاریخی، به‌رغم اهمیت در تعریف ماهیت منظر فرهنگی مورد غفلت هستند. وجود قصه‌ها و مثل‌ها و واگویی‌های شفاهی در ادبیات عامیانه (فولکلور Folklore) که بعضاً به نمودهای عملی نیز می‌رسند از این دست هستند. در میان باورها و داستان‌ها و افسانه‌های مردمان در سرزمین‌های مختلف، کم نیست نمونه‌های قابل ذکری که مثلاً خاک فلان تپه، قسمتی از چیزی خاص یا بخشی از مصالح بنا قدرتی ماورایی یافته و با تکیه بر آن امور قابل توجهی انجام می‌شود. باور و تعلق خاطر به یک بنا گاه تا مرز خطر آسیب به اثر، به شکل غیر آگاهانه پیش می‌رود.

نمونه‌ای دیگر از کنشی مردم‌شناسانه که مستقیماً در ارتباط با آثار تاریخی قابل ذکر است، در محوطه میراث جهانی تخت سلیمان^۵ در آذربایجان غربی است که آثاری از دوره ساسانی و همچنین دوره اسلامی سده‌های میانه قرن هفتم و حکومت ایلخانان مغول را در خود دارد. بخشی از آثار ساسانی مثل آتشکده و ستون‌های تالار بارعام و همچنین ایوان غربی با بهره‌گیری از آجر قرمز رنگ ساخته شده است. همین‌طور بخش‌هایی از آثار ایلخانی مثل کاخ‌های هشت ضلعی در پشت ایوان غربی. طی فرآیند سامان‌بخشی یافته‌های معماری

به تخریب آنها ختم شد که با مصالح تازه و فرم امروزی و البته وسیع‌تر تجدید بنا شوند. که امروز یکی از مسایل پر چالش مابین میراث فرهنگی و سازمان اوقاف است. اما آنچه به عنوان نمونه خاص، از رفتاری فرهنگی که به نوعی از همین اعتقاد وجود برکت در کنار متوفی و شاید ارتباط با عالم ارواح و اهمیت داشتن فضای آرامگاهی، به عنوان رفتاری آسیب‌رسان مورد نظر است، اعتقادی بومی و محلی در مناطق



تصویر ۸. نمای عمومی یکی از آرامگاه‌های تاریخی در محدوده شیشه‌ریز شهر جالق در بلوچستان ایران. عکس: محسن کیهان پور، ۱۳۹۰.

مختلفی از سراوان^۴ در بلوچستان است که شیوه تدفینی در فرهنگ عامه را در معرض دید می‌گذارد و هنوز در برخی از روستاها صورت می‌پذیرد. این اعتقاد و باور به کنشی فرهنگی منجر می‌شود که در طول زمان، موجبات آسیب‌رساندن به بناهای تاریخی را فراهم کرده و درخور توجه و تأمل است. براساس این باور، نوزادان نارس (جنین) که حیات نمی‌یابند و یا مرده به دنیا می‌آیند و یا در اوان تولد می‌میرند را جهت جلوگیری از مکرر شدن این ماجرا و جلوگیری از مرگ دیگر فرزندان، در گورستان‌های عمومی و به شکل طبیعی دفن نمی‌کنند بلکه با پیرون آوردن خشت‌هایی از بخش‌های عموماً داخلی و یا بعضاً خارجی یک بنای آرامگاهی تاریخی، شبه گوری ایجاد کرده و جسد را پس از پیچیدن در پارچه‌ای سفید به عنوان کفن در آن حفره قرار داده و روی آن را با مصالحی همچون قطعه‌های خشت و سپس اندود مشابه خود بنا، می‌پوشانند (تصویر ۹).

نمی‌شود.

به جز نمونه یادگاری نویسی که شاید شایع‌ترین نمونه در میان همه جوامع باشد، دو نمونه دیگر به حوزه‌های خرده فرهنگی بومی‌تر مربوط می‌شود. و سؤال این‌گونه مطرح می‌شود. که در پیگیری موضوع حفاظت از میراث فرهنگی جایگاه رفتارهای فرهنگی کجاست؟ زمانی که مفهوم منظر فرهنگی مورد اشاره قرار می‌گیرد، بی‌شک رفتارها و کنش‌های فرهنگی قابل رؤیت در ارتباط مستقیم با آثار نیز مدنظر است. بنابراین در خوشبینانه‌ترین حالت، با کنترل چنین رفتارهایی عملاً بخشی از فرهنگ جاری و زنده مردم دچار تغییر و تخریب خواهد شد و آیا می‌توان انکار کرد که قسمت عظیمی از باورهای مردمان گذشته و یا آدم‌های سنتی امروز، در لایه‌ای از لافه و سیر میان ایمان به واقعیت و خرافه در حرکت بوده و هست؟ و اگر قرار بر تغییر همه این باورها بود آیا اساساً مفاهیمی چون میراث فرهنگی لایق توجه بود؟ در نمونه اول می‌توان علاقه به نوشتن در کنار آثار تاریخی را جزو همگانی‌ترین رفتارها دانست. پاره‌ای از رفتارهایی از این دست هیچ توجیه عقلانی ندارد و صرف مفهوم وندالیسم در مورد آن گویا است. اما نمونه‌های مورد اشاره حس و آرمان ماندگاری و بقا به ویژه در کنار آثاری که صدها سال باقی بوده‌اند را به وضوح نشان می‌دهد. حتی در نمونه‌هایی می‌توان این خواست را از خود عامل نیز شنید (غرض نقشی است که بماند). بنابراین میل و اراده به بقاء و ارایه پیامی به آیندگان، که جزیی از تعریف انسانی است می‌تواند پاس داشته شود.

برای مثال شاید ایجاد دیوارها و فضاهایی در کنار آثار تاریخی که این امکان را فراهم سازد می‌تواند راهکاری برای این منظور باشد. البته با توجه به تکنولوژی موجود، حتی امکان ساخت چنین فضایی با وسایل الکترونیک و دیجیتال نیز وجود دارد که هر نوشته‌ای ضبط (Save) شود و از طریق سیستم نمایشی به معرض نمایش گذاشته شود.

در ارتباط با نمونه دوم (دفن نوزادان متوفی)، می‌توان گفت که امروز هم به دلیل مسایل حفاظت از آثار و هم نگاه بهداشتی، به هیچ وجه رفتار توجیه‌پذیری نیست، اما اگر مفهوم نگهداری از منظر فرهنگی را پی بگیریم، این موضوع به عنوان بخشی از باور مردم بومی، دارای ارزش و اعتبار خواهد بود که در یک مجموعه با برخی کنش‌های دیگر مرتبط است که امکان حذف آن به سادگی میسر نخواهد بود. حتی این کنش، رفتار و احساسات دیگری را نیز موجب می‌شود و درحقیقت می‌توان آن را جزیی از یک مجموعه رفتار دانست. موضوع حتی پررنگ‌تر خواهد شد اگر بدانیم، اساساً در نگرش امروز مردم منطقه - با توجه به تغییرات نگرش تاریخی و قرائت‌های مختلف از مضامین مذهبی



تصویر ۱۰. یکی از جرز ستون‌های آجری در چهارطاقی آتشکده آذرگشنسب در تخت سلیمان. عکس: محسن کیهان‌پور، ۱۳۹۰.

و برخی مصالح که به عنوان اسناد باید نگهداری می‌شود، آجرهای ساسانی فرو افتاده نیز در بخشی از فضا جمع‌آوری و نگهداری می‌شد (تصویر ۱۰).

در این نمونه، بر اساس یک باور محلی تعدادی از مردمان روستایی اطراف این محوطه تاریخی، آجرهای قرمز رنگ تاریخی را که بخش‌هایی از بناهای مجموعه با استفاده از آنان ساخته شده است را از بنا جدا کرده، یا از محل نگهداری مصالح فرو افتاده و جدا شده از بنا برداشته و با خود به خانه می‌بردند. این آجرها پس از انتقال به روستا در آغل دام‌ها (گوسفندان و گاوها) قرار داده می‌شود. اعتقاد و باور این است که وقتی بخشی از این مصالح در آغل قرار داده شود دام‌ها دیگر به بیماری به ویژه بیماری‌های انگلی همچون کنه مبتلا نخواهند شد.

زمانی که بدانیم شغل مردم در این روستاها که مستقیماً با این محوطه میراث جهانی در ارتباط هستند کشاورزی و دامداری است و پرورش دام به شکل سنتی، چهره مهم و قابل توجه در منظر فرهنگی این محوطه است موضوع اهمیتی دیگر نیز پیدا می‌کند.

مواجهه، حفظ یا حذف کنش فرهنگی

موارد ذکر شده نمونه‌هایی از رفتارهایی است که می‌توان از آنها با تعبیر کنش‌های فرهنگی یاد کرد که نه تنها با نیت تخریب‌گرانه صورت نگرفته‌اند که بتوان تعبیر وندالیسم بر آنها نهاد، چرا که اساساً حتی دورترین هدف عاملان به این رفتارها، تخریب نیست اگرچه این فرآیند در کلیت خود به هر شکل منجر به این موضوع می‌شود و شاید تنها نقطه اشتراک همه نمونه‌ها بقا و میل به ماندن باشد. هر سه مورد ذکر شده از ابعاد مردم‌شناسی بسیار قابل تأمل و توجه هستند که البته در این نوشته چنین هدفی تعقیب

به دست آمد که بیشتر کسانی که مبادرت به این عمل می‌نمایند افراد با سنین بالا هستند اگرچه برخی از جوانان نیز این باور را مجدانه پذیرفته‌اند و به آن اقدام می‌کنند. بنابراین راهکاری که به نظر رسید این بود که آجرهایی با شکل و رنگ مشابه مصالح تاریخی تهیه شود و با شیوه‌های گوناگون چهره و ظاهری تاریخی و قدیمی به آنها داده شود تا در صورت اقدامی این‌چنین، یعنی انتقال این مصالح از محوطه تاریخی به روستا، ضمن نگهداری از بنا و کنترل آسیب‌های وارده به آنها توسط برخی از مردم بومی، رفتاری فرهنگی و اعتقادی کهن نیز، همچنان باقی بماند. به ویژه که باورهای فولکلور و افسانه‌پردازی‌های محلی علاوه بر غنا بخشیدن به مفاهیم فرهنگی در پاره‌ای از موارد، موجب حفظ و نگهداری از آثار و محدوده‌های پیرامون و زیست فرهنگی پیرامون نیز بوده است و به طور کلی، بخش عمده‌ای از مفهوم منظر فرهنگی در این گونه رفتارها و نگاه‌ها پنهان و مغفول مانده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و دقت در نمونه‌های مذکور، و توجه در اهمیت کنش‌های فرهنگی و در هم‌تنیدگی این رفتارها با مفهوم منظر فرهنگی است که امکان درک رفتارهای پیش‌گفته فراهم می‌شود. از آنجا که بسیاری از باورها و اعتقادات در هر فرهنگی، مابه‌ازای خارجی دارند و بالعکس، بسیاری از کنش‌های اجتماعی نیز به باوری یا اندیشه‌ای مربوط می‌شوند، بنابراین نمی‌توان به سادگی از کنار موضوعاتی این‌گونه گذشت. چه بسیار رفتارهایی که در حوزه بازشناسی فرهنگی، بی‌معنا و بی‌اساس معرفی شده‌اند و چه بسا عادات فرهنگی که بدون نظر داشت این رابطه صرفاً خرافه معرفی شده‌اند و درک مناسبی از آنها صورت نگرفته است. در تعاریف و متن منشورها، بیانیه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی می‌توان اشاره به این موضوع که هر اثر فرهنگی (من جمله بنا و بافت) از دل یک بستر فرهنگی-اجتماعی متولد شده که برخی از این رویکردهای فرهنگی در شمایل رفتارهایی تجلی یافته است و در بررسی یک اثر تاریخی بدون دقت نظر در این نکات فرهنگی که در پاره‌ای از موارد شکل دهنده حتی فرم‌ها در یک اثر هستند، همواره این امکان وجود دارد که بخشی از آن که گاهی تعریف را در یک ساحت تغییر می‌دهد مغفول بماند. با این نگاه و به ویژه در ارتباط با محیط‌ها و جغرافیای فرهنگی که در پاره‌ای موارد با موارث فرهنگی از بعد کالبدی و ساختاری نیز مرتبط هستند، احکامی صادر و اجرا می‌شود که بی‌تردید یک‌سونگر و یک‌جانبه بوده و توان پوشش دادن وجوه مختلف کلیت میراث فرهنگی را

- آرامگاه، قبر و مدفن به‌طور عمده از جایگاه چندانی برخوردار نیست. بنابراین از زاویه نگاه مردم‌شناختی این کنش فرهنگی از سوی باورمندان به آن دارای اهمیت است. باید افزود که این‌گونه بناهای آرامگاهی به‌رغم عدم اعتقاد مشابه آنچه در بخش مرکزی ایران وجود دارد، نوعی جایگاه زنده‌نمایی در نگاه مردمان (به ویژه زنان و کسانی که جسد نوزادی در این فضا قرار داده‌اند) دارد. به‌شکلی که در عبور از کنار این بناها با نگاهی دارای معنا و احساس در آنها می‌نگرند. لازم به ذکر است که به اعتقاد و باور بسیاری، این اماکن جایگاه اجنه بوده و معمولاً از حضور طولانی در آنها احتراز می‌شود. و شاید این نگاه و رفتار فرهنگی که از باوری عمیق نشأت می‌گیرد قابلیت قیاس با کنش‌هایی در برخی فرهنگ‌ها و باورهای حوزه فرهنگی مرکزی ایران در ارتباط با آنچه «آل» نامیده می‌شود را داشته باشد. و شاید بتوان این کنش را با برخی باورها که رفتاری را موجب می‌شوند به عنوان عادات و رفتارهای فرهنگی هنوز موجود مانند کرد. صبرکوتاه و خودداری از انجام سفر پس از عطسه‌کردن به منظور جلوگیری از پیشامد بد به عنوان عادت فرهنگی و سیاه کردن تخم مرغ برای رفع چشم‌زخم، دود کردن اسپند برای رفع نظرهای بد، قربانی کردن حیوانات (گاو، گوسفند، مرغ و خروس و...) در مراسم عزا و شادی، قربانی کردن و عقیقه کردن در تولد نوزاد پسر، قربانی کردن برای پیشگیری از خشک شدن چشمه‌ها، رودها و قنات‌ها و بسیاری نمونه‌های دیگر به عنوان باورهای کنش‌زای فرهنگی هستند که در نگاه نخست، دم‌دستی (ساده‌لوحانه) به نظر بیایند درعین حال، این موارد، سخت فرو رفته در عمق جان باورهای مردم است و نیازمند دقت به ویژه آن دسته از رفتارهایی که در ارتباط با بناهای تاریخی شکل گرفته و تداوم داشته‌اند.

بنابراین موضوع، دست‌کم به منظور جلوگیری کردن از این فرآیند آسیب‌رسان در بناها و آثار تحت تأثیر، نیازمند تحمل بالا و جایگزین کردن شیوه‌ای نزدیک و مناسب است که ضمن حفظ یک رفتار فرهنگی از آسیب رساندن به آثار و تخریب غیرعامدانه آنها جلوگیری شود. به‌طور مثال؛ طراحی و ایجاد فضایی در نزدیکی و مجاورت این‌گونه بناها به منظور تدفین اجساد می‌تواند راهی باشد تا علاوه بر حفظ آثار تاریخی، با حداقل تغییر و کم‌ترین برخورد، باورهای مردم نیز محترم داشته شود.

مورد سوم اما، که همان بیرون کشیدن بخشی از مصالح اصلی، از دل بنای تاریخی و انتقال آن به محل نگهداری احشام (أغَل) که موجب تخریب آرام‌آرام و به مرور اثر را فراهم می‌کند، نیز همچون نمونه‌های مورد اشاره دیگر است. اما پس از مطالعه و دقت در موضوع این نتیجه

کهن «شیشه‌ریز»، «سورو» و «کوه‌کن» را دارد که هر یک از این سه بخش آثاری را در خود جای داده‌اند. بخش جالق نیز که نام این شهر از آن اخذ شده دارای نشان مشخص نیست اما بی‌شک با مطالعات دقیق‌تر آتی، رازهای بیشتری از آن گشوده خواهد شد.

۵. مجموعه تاریخی تخت‌سلیمان، در ۴۵ کیلومتری تکاب در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۳ به عنوان اولین اثر پس از انقلاب و چهارمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید. یکی از موارد مهم در اهمیت این مجموعه وجود غنای بسیار آن در موضوع منظر طبیعی و فرهنگی است که افزون بر چشم‌اندازهای خیره‌کننده و جذاب طبیعی، پیوند عمیقی میان باورهای مردم منطقه و کنش‌های فرهنگی آنان با آثار به شکل زنده و پویا وجود دارد. از نام‌گذاری آثار طبیعی همچون زندان سلیمان، طوبله سلیمان، دژ بلقیس، سنگ‌اژدها تا باورها و افسانه‌ها و مثل‌های وابسته به آنها.

فهرست منابع

- احمدی‌علی‌آباد، کاوه. (۱۳۸۰). جایگاه عرف و باورها و رفتارهای عامه در کسب دانش و شناخت خلاق، نمونه‌ای موردی در جامعه ایران. تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- جمع سخنرانان. (۱۳۸۸). مجموعه سخنرانی‌های نشست بین‌المللی منظرهای فرهنگی. بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۸۲). دیوان اشعار، به تصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران: انتشارات زوار.
- ژانو رن، پاتریش. (۱۳۶۷). وندالیسم، بیماری جهانی خرابکاری. ت: ماهان، فرخ. مجله دانشمند، (۲۹۹): ۲۳-۲۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم؛ مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری اجتماعی. تهران: نشر آن.
- هدایت، صادق. (۱۳۵۶). ترانه‌های خیام نیشابوری. تهران: انتشارات جاویدان.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۹۳). معماری اسلامی (نسخه هفتم). ت: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.
- Aronson, E., Wilson, T. D., Akert, R. M. & Sommers, S. R., (2015). *Social psychology*. 9 ed. Boston: Pearson.
- Clinard, M. B. & Meier, R. F. (2014). *Sociology of Deviant Behavior*. 15 ed. Boston: Cengage Learning.
- Feuer, L. S. (1973). *The conflict of generations, the character and significance of student movements*. New York: Basic Books.
- Flacks, R. (1971). Social and Cultural Meaning of Student Revolt: Some informal comparative observations. *Social Problems*, (17): 340-357.
- Isar, Y. R. (1986). *The challenge to our cultural heritage: why preserve the past?*. Washington/Paris: Smithsonian Press/UNESCO.

ندارد. خصوصاً در ارتباط با فرآیند حریم‌گذاری در میراث فرهنگی و به ویژه، در مواردی که مبحث منظر فرهنگی نیز مدنظر است، این موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود. زیرا الزاماً حفاظت به کالبد بنا محدود نمی‌شود. علاوه بر اینکه کنش‌هایی فرهنگی و البته در پیوست با ساحت‌های دیگر (برای مثال؛ مذهبی، سیاسی، اجتماعی و...) می‌تواند در یک بنا و در برخی موارد منحصربه‌فرد و دارای اهمیت باشد، این امکان وجود دارد گاهی رفتارهای مرتبط با یک اثر، در فواصل دورتر از اثر صورت گیرد و یا باورهایی با آن مرتبط باشد که به کنش‌هایی ختم می‌شود. لذا آنچه ذیل عنوان سیمای فرهنگی مدنظر است که باید مورد مذاقه قرار گیرد، امری فراتر از یک جسمیت بخشیدن و به عبارتی صرف کالبد در اثر است. بنابراین شناخت دقیق‌تر این موضوع اهمیت کنش‌ها و باورهای فرهنگی مربوط به یک اثر تاریخی- فرهنگی را به منظور شناخت یک زیست‌جهان با خود اثر می‌تواند در یک تراز قرار دهد که الزام رفع حفاظت از آن کنش یا باور فرهنگی را نیز مؤکد می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به‌عنوان کسی که به دلایل حرف‌های شغلی، (به عنوان کارشناس حفاظت و مرمت در سمت‌های مختلف، در سازمان میراث فرهنگی) شانس دیدار از بسیاری از آثار تاریخی و فرهنگی کشور را داشته‌ام این موضوع را از اهم مواردی می‌دانم که در وجوه مختلف بستر فرسایش و تخریب را در بسیاری از بناها فراهم می‌کند. تا آنجا که اگر بیشتر از عوامل فرسایش طبیعی در این فرآیند مؤثر نباشد نقشی کم‌تر از آن نمی‌توان برای آن در نظر گرفت.
۲. واژه وندالیسم (Vandalism) از کلمه وندال گرفته شده است. وندال نام یکی از اقوام ژرمن‌اسلاو است که در قرن پنجم میلادی در بخشی واقع در میان رودخانه اودر و سیتول زندگی می‌کردند. که در دوره حاکمیت ژانسریک یا گنسریک (۴۷۷ - ۴۲۸ میلادی) از پادشاهان قوم وندال، به سرزمین گُل‌ها و اسپانیا حمله کرده و آنها را تصرف کردند. همچنین این متصرفات را به کارتاژ، متصرفات آفریقایی روم و مدیترانه رساندند. عادت و شیوه عمل این قوم در حملات، نابودی هر آبادی و آبادانی و تخریب و تاراج بود. (نظیر رفتار مغولان در حمله به ایران) همین شهرت تاریخی سبب شده که امروز نام وندالیسم به معنای ویرانگری و خرابکاری به کار برده شود.
۳. پدیده گلوله برفی؛ حرکت گلوله‌های برف در مناطق برفی با تأثیر باد در سراسیایی که دائماً در طول مسیر بزرگ‌تر می‌شوند. به نوعی تکرار بدون اراده و هدف یک رفتار پیشینی گفته می‌شود که در اکثر موارد در پایان نتایج مثبتی به همراه ندارد. علاوه بر اینکه پس از مدتی کوتاه از تکرار یک رفتار دیگر اصل آغازکننده عملاً وجود ندارد.
۴. شهر جالق از توابع شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان است که با منظر زیبا در میان نخلستان‌های پر بار ساخته شده است. وجود آثار، محوطه‌ها و ابنیه مختلف تاریخی در محدوده شهر نشان از تاریخی کهن در این شهر دارد. باغ‌شهر امروز جالق در محدوده خود سه بخش تاریخی و

- Keniston, K. (1969). *The uncommitted; alienated youth* World.
in American society. 1 ed. NewYork: Harcourt, Brace &

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مرجوعی، علی، شاهدی، بهرام، پیروای ونک، مرضیه و قاسمی سیچانی، مریم. ۱۳۹۷. معماری، به مثابه ذهن بسیط. باغ نظر، ۱۵ (۶۴): ۴۱-۵۲.



DOI: 10.22034/bagh.2018.69479

URL: http://www.bagh-sj.com/article_69479.html